



شورای عالی حوزه علمیه قم  
مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهان  
مدرسه علمیه الزهرا (سلام الله علیها) شهرستان شیراز  
مقاله سطح ۲ (کارشناسی)

## عنوان

# تاریخچه نفوذ دراویش گنابادی در ایران و بررسی عقائد آنها

استاد راهنمای  
سرکار خانم رضوی

پژوهشگر  
نرجس سادات حسینی





شورای عالی حوزه علمیه قم  
مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران  
مدرسه علمیه الزهرا (س) شهرستان شیراز  
مقاله سطح ۲ (کارشناسی)

### عنوان

# تاریخچه نفوذ دراویش گنابادی در ایران و بررسی عقاید آنها

استاد راهنمای  
سرکار خانم رضوی

پژوهشگر  
نرجس سادات حسینی

بهار ۹۷

## چکیده

یکی از نیازهای اساسی انسان‌ها از ابتدای تاریخ تا کنون آرامش جویی و دین گرایی است که هر دوی اینها گره در کسب دیگری دارد. این اصل را در تمام اعصار می‌توان مشاهده کرد. زمانی که گرایش‌های متعالی انسان هدایت نشود و با توهمندی تلفیق گردد خرافات پدید می‌آید. در این افراد خرافات جایگزین یک حقیقت گم شده در زندگی گشته است که همان معنویت می‌باشد. ذکر این نکته ضروری است که ریشه خرافات در نادانی و کم خردی بشر در شناخت خود و حقایق عالم است و در کلام معصوم داریم: (من عرف نفسه فقد عرف ربه). در عصر کنون که پیچیدگی‌های زندگی در جوامع امروزی و شهرهای بزرگ همواره با شلوغی‌ها و جنون سرعت و مسابقه افراد بشری به سوی مصرف گرایی بیش از حد و دور شدن مردم از زندگی طبیعی و به دنبال آن ایجاد فشارهای روحی و روانی، دور شدن از معنویت، افزایش مادی گرایی باعث ایجاد نوعی خلاء و تشنگی مردم نسبت به مسائل معنوی شده است. از این رو ایجاد هرگونه گردهم آیی تحت عنوان کلاس معنوی و آرامش روحی و روانی تفکر به شدت موجب جذب افراد می‌گردد. در اینجاست که با نام جدیدی به نام عرفان‌های کاذب مواجه می‌شویم. اما نه آن عرفان حقیقی که در آن نه خبری از وحدت وجود یافت می‌شد، نه ادعای اتحاد و حلول پیدا می‌کنیم، نه از ترک شریعت به بهانه وصول به حقیقت اثری می‌یابیم. امروزه دراویش که اصلی ترین حزب آن دراویش گنابادی است خود را مدعیان اصلی کسب عرفان می‌دانند و سعی دارند که با روش‌های گوناگون به جذب افراد بپردازنند. این تحقیق بر آن است که تشکیل گروه دراویش گنابادی از ابتدا تا عصر امروز و عقاید و جایگاه آنان را به طور مختصر بیان کند.

**کلید واژه‌ها: دراویش، گناباد، خانقاہ، قطب، تصوف.**

## ۱- مقدمه

افراط و تفریط در هر زمینه‌ای سبب انحراف انسان‌ها از راه راست به بیراهه‌ی جهالت می‌باشد اما انسان‌ها گاهی برای منافع خود و گاهی نیز در اثر جهالت این امر را رعایت نمی‌کنند و این در مسئله‌ی مذهبی زمینه‌ای می‌شود که با وجود دین کامل اسلام فرقه‌های گوناکونی پدید آید. در صدر اسلام همواره کسانی بودند که به اشتباہ فکر می‌کردند برای رسیدن به تهذیب نفس باید خود را از زندگی اجتماعی دور کنند و لباس‌های پشمین ضخیم بر تن داشته باشند زیرا بر این باور بودند که دنیا جایی برای راحتی نیست اینان همان صوفیان اند. صوفیان که حتی در احادیث نیز مورد نکوهش قرار گرفتند در تمامی اعصار به فعالیت‌های خود به صورت قوی یا ضعیف ادامه داده اند این فرقه در قرن پنجم هجری بیش تر از قبل به فعالیت‌های خود ادامه داد اما به دلیل توطئه‌ای که برای غصب جایگاه حکومت کردند سرکوب شدند. اما دست از فعالیت خود بر نداشتند و به سمت شرق حرکت نمودند و توسط پادشاهان هندی حمایت شدند. پس از مرگ موسس آن، این فرقه به پنج حذب تقسیم شد که یکی از احذاب آن دراویش گنابادی است.

در این مقاله پس از بررسی چگونه به وجود آمدن فرقه دراویش به بیان جایگاه و عقاید آن پرداخته می‌شود تا بتوان عقاید ضاله را از عقاید حقه شناسایی کرد و در آخر به بیان نظر علمای شیعه در عصر کنون در رابطه با این فرقه پسنده خواهد شد.

## ۲- تاریخچه تصوف

یافتن تولدگاه دقیق تصوف غیر ممکن است زیرا تحریف حقایقی کار ساز و مشکل گشای، تحقیق چنان از یادها رفته‌اند که کوچک‌ترین نشانی از آن‌ها نمی‌توان یافت. بهمین لحاظ تصوف را باید در میان تمامی فرقه‌ها، ملت‌ها، مذهب‌ها جستجو کرد و اعتقاد داشت که عواملی خارجی از

از جمله کراماتی که بر بایزید بسته اند و در تذکره الاولیاء نقل شده این است که روزی در ویشی نزد او آمد و از حیا مسئله‌ای پرسید و او جواب سوال را گفت ناگهان درویش آب شد! مریدی از در آمدید آب زردی روی زمین ایستاده گفت ای شیخ: این کیست؟ گفت: یکی از در آمد و سوالی از حیا کرد، من جواب دادم طاقت نداشت اینطور شد.

## ۵- نظر علمای وقت درباره‌ی دراویش گنابادی

آیت الله خامنه‌ای: از زمان بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآل‌ه) و عصر ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) تا زمان حاضر، همیشه مسجد پایگاه اقامه‌ی نماز و شعائر دینی و تبلیغ معارف اسلامی بوده و خانقاہ، اساس و جایگاهی نداشته است. بنابراین، باید از شرکت در این‌گونه جلسات و هرگونه عملی که باعث ترویج این‌گونه مراکز شود، اجتناب گردد.

امام خمینی(ره) نیز در کتاب «چهل حدیث» در خصوص علم ستیزی دراویش می‌نویسد: «چون دست دراویش از علوم تهی است، علم را خار طریق و اهل علم را شیطان راه سالک می‌شمارند. این افراد فهمیده یا نفهمیده پاره‌ای از اصطلاحات جاذب را به خورد عوام بیچاره داده و گمان کرده اند به لفظ مجدوب علی شاه یا محبوب علی شاه حال جذبه و حب دست می‌دهد و گاه وقاحت را از حد گذرانده و خود را دارای مقام ولایت کلیه دانسته اند که منشأ آن تکبر، جهل و بی استعدادی آنان است.»

آیت الله العظمی مرعشی نجفی می‌فرمایند: «حادثه‌ی پیدایش تصوف در اسلام از بزرگ ترین مصیبت‌هاست، با ورود تصوف در اسلام اساس اسلام ویران شد و در پایه‌های آن شکاف ایجاد شد. اینجانب پس از بررسی‌های بسیار و اندیشه‌ی عمیق در سخنان صوفیان به اهداف آنان پی بردم. من پس از ملاقات با اقطاب صوفیه به این نتیجه رسیدم که نقطه‌ی آغازین این مصیبت رهبانیت مسیحی است که برخی از سنی مذهبان مانند حسن بصری، شبی، معروف کرخی، طاووس زهری و جنید بغدادی تصوف را از راهبان مسیحی اخذ نمودند و سپس تصوف به تشیع نیز سراابت

نمود.»

«علامه طباطبایی» در تفسیر المیزان می فرمایند: « Sofiye برای سیر و سلوک آداب و رسوم خاصی را که در شریعت وجود نداشت به وجود آورده و راه های جدیدی را پیوسته به آن افزوده و شرع را کنار گذاشتند. تا این که به جایی رسیدند که شریعت را کنار گذاشته و در محرمات غوطه ور شدند و واجبات را ترک کردند و در آخر منتهی به تکدی و استعمال بنگ و افیون شدند که این حالت، آخرین حالت تصوف است که مقام فنا نامیده می شود.»

حجت الاسلام علی بهجت فرزند مرجع عالیقدر تشیع و عارف وارسته حضرت آیت الله العظمی بهجت (ره) با بیان این که فرقه صوفیه مورد تایید آیت الله بهجت(ره) نبود گفت: آیت الله بهجت(ره) فرقه صوفیه را قبول نداشتند و تصوف مورد تایید ایشان نبود و حضور در خانقه از نظر ایشان جایز نبود.<sup>۱</sup>

آیت الله شاهروdi : عمل ایشان از صدر اسلام با مخالفت و نهی حضرت رسول روبرو شد و در ادامه اهل بیت(علیهم السلام) از فکر و مكتب آنها ممانعت فرموده اند در این مسئله می توانید به کتاب سفینه البحار مرحوم محدث قمی باب الصاد بعده الواو رجوع کنید اهل بیت(علیهم السلام) صوفیان را خلفاء شیطان و خراب کننده قوانین و قواعد دین معرفی می کنند. حضرت هادی می فرمایید : صوفیان چه آنها که ادعای پیروی از امت هستند و چه از اهل تسنن، همه مخالفت ما هستند و روش آنها با روش ما مغایراست و آنها نصاری و مجوس این امت هستند که در خاموش کردن نور الله می کوشند. هر طریقی غیر از راه معصومین علیهم السلام به غیر خدا ختم می شود و کلماتی چون «بنا عبد الله» «بنا عرف الله» «بكم یسئلک الى الرضوان» «هم درجات عند الله» «علی مع الحق والحق مع علی» و ..... به وضوح براین معنا دلالت می کند کشف و کرامت و خبر از ندانسته ها بر فرض حقیقت داشتن دلالت بر حقانیت صاحب آنها نمی کند : «و ان

الشیطان لیوحون بعضهم الی بعض» بروز انواع فسادها، گناهان صغیره و کبیره، خود پرستی ها و تمجیدهای مختلف از خود از این طائفه شاهدی برکذب مدعیات ایشان است..

آیت الله نوری همدانی:

۱- اسلام، دینی پرخوش و جهاد گر است در حالی که صوفیان اسلام را در خرقه، خانقاہ، سبیل و ... محصور کرده اند.

۲- یکی از مشکلات علمای ما از گذشته مساله‌ی صوفی‌گری بود. از زمان امام صادق(علیه السلام) عده‌ای به نام صوفیه پیدا شدند و امام صادق(علیه السلام) اعلام کردند این‌ها دشمنان ما هستند، اگر کسی به آنها گرایش بیابد از دشمنان ما به شمار می‌رود اما متاسفانه بعدها جریاناتی به وجود آمد که این فرقه منحرف تقویت شدند.

۳- بسطامی و ابوالخیر را از جمله کسانی هستند که صوفی های به عنوان مشایخ خود از آنان شخصیت بر جسته‌ای ساخته اند و مثلا در کتاب تذكرة الاولیا نوشته شده است که بارها خدا را در خواب دیده‌ام.

۴- فرق صوفیه که به هفتاد فرقه تقریباً بالغ می‌شوند کلاً محکوم به بطلان و انحراف می‌باشند.

از آنجا که حضرت رسول اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیث ثقلین که از لحاظ سند متواتر و از جهت دلالت بسیار روشن است قرآن مجید و اهلیت(علیهم السلام) را معیار تبیین معارف اسلام و میزان حق و باطل معرفی نمودند و اهلیت عصمت(علیهم السلام) نیز مسلک صوفیگری را مسلک باطل و منحرف و صوفیه را دشمنان اسلام و اهل بیت(علیهم السلام) معرفی کرده اند و مردم را از گرایش به آنها و کمک به آنها جدا نموده اند. حقیقت امر روشن گردید و لذا تردیدی در بطلان مذهب صوفی ها وجود ندارد. صوفیه با قطب سازیها و منقبت پردازی ها و ادعاهای گزارف و بی دلیل و تمسک به خرقه خانقاہ و جعل عشریه و امثال آن راهی را پیش

گرفتند که مورد پسند جباران روزگار و مستکبران گردید . جبارانی که فرهنگ اهلیت عصمت (علیهم السلام) را بر نمی تافتند و تحمل نمی کردند . لذا صوفیه را تقویت کردند و در طول تاریخ یکی از گرفتاریهای علمای بزرگ صوفیه ها بوده اند.

این مطلب روشن است که اسلام ناب محمدی(صلی الله علیه و آله و سلم) که اسلام پر خروش و فریاد گر در برابر ستمکاران است هرگز با صوفیگری همخوانی ندارد . باید این نکته را بدانیم که عرفان اسلامی با صوفیگری اصلاً منافات دارد.

## ۶- نتیجه گیری

پیدا کردن تاریخچه تصوف امری غیر ممکن است زیرا تصوف در هر زمانی متناسب با وضعیت آن زمان به خود شکل میگیرد اما آنچه که واضح و آشکار است حضور صوفیان از زمان صفویه میباشد که توسط نعمت الله ولی بنیان گذاری شد و خود این فرقه به پنج دسته تقسیم میشود که یکی از آنها دراویش گنابادی است. فرقه‌ای که در ظاهر خود را اثنی عشری معرفی میکندر حالی که هم عقل و هم نقل را دور میاندازند و برای تحمیل آرای غیر منطقی خود پای کشف و شهود را به میان می‌کشند.

همچنین با شجرنامه‌ی ساختگی خود را به معصومین نسبت می‌دهند و این درحالی است که نه تنها افکارشان بلکه ظاهرشان و نیز گفتارشان گویای دشمنی با اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشد. بلکه خود اهل بیت علیهم السلام نیز در احادیث خود آنان را مورد نکوهش قرار داده‌اند. و باید در عصر امروز با بیان روشنگری و بیان استدلال‌های منطقی مردمی را که از روی جهل به این فرقه گرویدند را از این بیراهه ظلمت خارج نمود.

## **فهرست منابع و مأخذ**

۱. باقریان ساروی، احمد، آن سوی صوفی گری، چاپ چهارم، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۲. تابنده، علی، خورشید تا بنده، تهران، حقیقت، ۱۳۷۱.
۳. عطار، فرید الدین، تذکره الاولیاء، ج ۲ و ۴، تهران، بی نا، بی تا.
۴. مکارم شیرازی، ناصر، جلوه حق، قم، انتشارات دار الفکر، بی تا.
۵. واحدی، تقی، در کوی صوفیان، چاپ چهارم، تهران، نخل دانش، ۱۳۸۴.
۶. الهمی، داوود، فرقه نعمت اللهی و گنابادی، قم، موسسه دفاع از حریم اسلام، ۱۳۸۰.

## **سایت ها**

۱. سایت مجذوبان نور.
۲. سایت حیدریون.
۳. [www.ferghenews.com](http://www.ferghenews.com)